

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره پنجم - مرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۱

بازنگری در سطح فکری تاریخ بیهقی

بررسی موردی: انطباق محتوا با سیاست جنایی اقتدارگرا

(ص ۱۷۰-۱۵۱)

هادی رستمی (نویسنده مسئول)^۲؛ حسنعلی موذن زادگان^۳؛ علی مولایی^۴

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۸

چکیده

تاریخ بیهقی یکی از مهمترین متون نثر فارسی، در طول هزاره گذشته مورد احترام دوستداران ادب پارسی بوده است. این کتاب چند برابر آنچه اکنون در دست داریم، بخشهای گمشده دارد و به رغم آنکه با محوریت دوره مسعود غزنوی فراهم شده، کتابی صرفاً تاریخی نیست؛ بلکه دارای اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه مطالبی است که میتوان از آنها به سیاست حکمرانان غزنوی - در زمینه کنترل بزهکاران، از طریق سرکوبی محض و یا همراه با اقدامها و تدبیرهای خاص پیشگیرانه از بزهکاری بوده است - را پی برد. از این رو نگارندگان به دنبال آن هستند که آیا در تاریخ بیهقی میتوان مدلی از سیاست جنایی را یافت و این مدل با کدام یک از مدل‌های امروزی نزدیکی بیشتری دارد؟ ردیابی برخی از جلوه‌ها و ویژگیهای سیاسی نظام اقتدارگرا در این اثر موجب میشود، از دل این موضوع به مفهوم نوین سیاست جنایی (خصوصاً سیاست جنایی اقتدارگرا) رسیده و آن را مورد بررسی قرار داد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، سیاست جنایی، نظام و سیاست جنایی اقتدارگرا

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی / گروه حقوق / دانشکده ادبیات و علوم انسانی / دانشگاه بوعلی سینا / همدان / (h.rostami@basu.ac.ir)

۳- دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی / گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی / دانشکده حقوق و علوم سیاسی / دانشگاه علامه طباطبایی (moazenzadegan@aut.ac.ir)

۴- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی / دانشکده حقوق و علوم سیاسی / دانشگاه علامه طباطبایی (Ali_molabeigi@atu.ac.ir)

Intellectual Review of Bayhaqi History Case Study: Content Adaptation to Authoritarian Criminal Policy

Hadi Rostami^۱, Hassanali Moazenzadegan^۲, Ali Molabeigi^۳

Abstract:

Beyhaqi History One of the most important Persian prose texts during the last millennium has been revered by lovers of Persian literature. This book has a multiplier of what we have now, missing sections, and despite being centered on Massoud Ghaznavi, it is not merely a historical book, but has political, social, cultural and, in particular, political ideas Ghaznavi's rulers - in the area of controlling criminals, have been through mere suppression or with specific measures and measures to prevent crime. Therefore, the authors seek to find a model of criminal policy in the history of Bayhaqi in view of the above, and which model is closest to today's model. Tracing some of the political manifestations and features of the authoritarian system in this work leads to the study of a new concept of criminal policy (especially authoritarian criminal policy) from this topic.

KEYWORDS: Behaghi History, Abolfazl behaghi, Criminal policy, The system and the criminal policy of totalitarianism

^۱ Assistant Professor of Criminal Law / Criminal Law / Faculty of Literature & Humanities / Bu Ali Sina University / Hamedan/ (h.rostami@basu.ac.ir)

^۲ Associate Professor of Criminal Law and Criminology / Department of Criminal Law and Criminology / Faculty of Law and Political Science / Allameh Tabataba'i University/ (moazenzadegan@gmail.com)

^۳ PhD Student of Criminal Law / Faculty of Law and Political Science / Allameh Tabatabai University (Ali_molabeigi@atu.ac.ir)

مقدمه

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که در بسیاری از مراکز دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته، رویکردی است که در آن پژوهشگران با ایجاد تعامل بین رشته‌های گوناگون میکوشند تا برای دستیابی به حل مسائل، به الگوی مناسبی دست یابند. در این میان، بحث پیرامون کنش متقابل ادبیات با سیاست جنایی؛ میتواند به عنوان یکی از چالش برانگیزترین موضوعات میان‌رشته‌ای در علوم جنایی محسوب گردد. تاریخ بیهقی برای نمونه به شکلی ناخواسته با مباحثی که سده‌های بعد تحت عنوان سیاست جنایی مطرح شده، همپوشانی داشته و از دید این علم قابل بررسی است.

بیهقی در سال ۳۸۵ ه.ق در روستای حارث آباد بیهق، ولادت یافت و بعد از کسب فضیلتها در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت بونصر مشکان به کار پرداخت و چندی صاحب دیوان انشا شد، اما به تهمت حاسدان زندانی گردید و بعد از آزادی تا آخر عمر در منزل به سر برد تا در گذشت (تاریخ ادبیات ایران، صفا: ص ۵۱۷). از این رو میتوان گفت؛ تاریخ بیهقی یادگار خدمت این نویسنده در دربار است ولی با این حال این کتاب صرفاً کتابی با بُعد سیاسی نیست، زیرا بسیاری از مطالبی را که به نوعی با موضوعهای کیفری مربوط بوده را در این کتاب میتوان یافت؛ همانند «شیوه بندکردن، نحوه جابجایی زندانی، مظالم کردن امیر! دار برکنار مصلی زدن» (تاریخ بیهقی، خطیب رهبر: صص ۲۴ - ۲۵). بنابراین امکان پژوهش از جنبه‌های مختلف علوم کیفری در این کتاب را میتوان دید؛ ولی متأسفانه پژوهش قابل ذکری در این باره صورت نگرفته است. شاید دلیل این غفلت آن باشد که جامعه حقوقی ما اعتقاد دارد که رابطه منطقی میان حقوق و ادبیات در جریان نیست. در پاسخ باید گفت؛ «اگرچه این مسأله که حقوق و ادبیات چه تأثیری بر یکدیگر دارند موضوعی بحث برانگیز بوده؛ اما آنچه مسلم است، حقوق و ادبیات در حوزه‌های متعددی با یکدیگر همگرایی دارند، بسیاری از متون ادبی جنبه حقوقی داشته و مسایل حقوقی را مورد بررسی قرار میدهند» (Influence on the Law and Legal Actars; Thompson,,: p 1). از سوی دیگر اگرچه با برگزاری هزاره جهانی بیهقی و نیز انتشار تصحیح دقیق دکتر فیاض؛ انتشار مقاله در حوزه بیهقی فزونی گرفت، با این حال پژوهش‌های صورت گرفته عمدتاً درباره مطالب و مکانهای تاریخی، بررسی ساختار داستان، سبک‌شناسی، شخصیت‌شناسی و زندگی‌نامه بیهقی محدود شده است (تاریخ بیهقی و پژوهش‌های ادبی، مدرس‌زاده: ص ۱۲۸). مطالعه و مرور آنچه درباره

۱- در اصطلاح دیوانی یعنی رسیدگی به شکایتها و ظلمهایی که به مردم می‌شد (اصطلاحات دیوانی در عهد غزنوی و سلجوقی، انوری: ص ۲۰۳).

بی‌هقی نگاشته شده، نشان می‌دهد که پژوهشی در زمینه کیفری فراهم نشده و یا اگر هم شده؛ بسامد آن اندک بوده است. ما در این نوشتار بر آنیم؛ با توجه به اینکه مبارزه با بزهکاران پیشینه‌ای به قدمت جوامع بشری داشته و بدینسان هر جامعه بشری، چه آگاهانه و چه به صورت فطری، دارای سیاست و برنامه خاص خود در زمینه کنترل بزهکاران از طریق سرکوبی محض و یا همراه با اقدام و تدبیرهای خاص پیشگیرانه از بزهکاری بوده‌اند، از این‌رو ابتدا بارقه‌هایی از نظام اقتدارگرا را در تاریخ بی‌هقی ردیابی نموده (۱)؛ تا آنگاه در بخش دوم، نمودهایی از این مدل سیاست جنایی که بر این کتاب حاکم بوده (۲) را مورد کندوکاو قرار دهیم.

۱. اقتدارگرایی در اندیشه و زمانه بی‌هقی

رابطه تنگاتنگی میان ساختار سیاسی و سیاست جنایی کشورها برقرار است، بنابراین ابتدا برخی شاخصه‌های مرتبط با دولتهای اقتدارگرا که میتواند در تاریخ بی‌هقی هم باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگرچه این مفهوم امروزی بوده و نظامهایی که بر مبنای آن ایجاد شده متعلق به جهان معاصر است، با این حال میتوان مصداقهای حکومتی آن را در گذشته ایران یافت. همانطور که برخی بر این باورند: «مطالعه خطی تاریخ ایران معرف این است که ایرانیان تجربه‌ای خارج از اقتدارگرایی نداشته‌اند و از یک نظام اقتدارگرا به نظامی دیگر سوق یافتند» (اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار، سریع القلم: ص ۱۴).

۱-۱. ایدئولوژی تامگرا

یکی از ویژگیهای این نوع حکومت، داشتن ایدئولوژی تامگرا است، به این معنا که صریحاً در صدد گسترش کامل سلطه می‌باشد. حاکمیت در شخص رئیسی که مردم واله او هستند، مجسم شده و مبدل به ارزشی می‌گردد، در خدمت این اراده مطلق (سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، حسینی: ص ۴۴). این ایدئولوژی میتواند شامل انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی، ملی‌گرایانه و مذهبی باشد (اندیشه‌های ویرانگر: نسل‌زدایی و نقش ایدئولوژی، الوارز: ص ۳۶۰). در کانون چنین جنبشی رهبر قرار دارد که همچون موتور محرک جنبش عمل میکند و به وسیله حلقه‌ای از اطرافیان مورد اعتمادش از

۱- ایدئولوژی مذهبی مبنای پژوهش ما خواهد بود. در این نگاه، «اصل دین جدای از دولت و حقوق نبوده و قدرت از پیشوای مذهبی ناشی می‌گردد. بدینسان؛ در حکومت دین‌سالار، دین نه تنها فوق حقوق است، بلکه حقوق را ایجاد میکند. در این شرایط خلیفه نماینده مقام عالی و صاحب کلیه اختیارات است (نظامهای بزرگ سیاست جنایی، دل ماس - مارتی: صص ۱۱۹ - ۱۲۰).

لايه‌های نخبه جدا نگه داشته میشود و به محض بنا شدن جنبش و استقرار اصل اراده رهبر، قانون حزب حاکم میگردد. با تحقق اصل یاد شده، رهبر جانشین ناپذیر میشود، زیرا کل ساختار پیچیده جنبش، بدون فرامین او علت وجودیش را از دست میدهد. زین پس، علیرغم توطئه‌چینیهای نزدیکان رهبر و با وجود افزایش بیزاری، مقام رهبری در برابر انقلابهای نامنظم همچنان محفوظ باقی میماند؛ از این جهت که این مردان صادقانه معتقدند که بدون رهبر واحد، همه چیز از دست میرود (توتالیتاریسم، آرنه: صص ۱۵۵ - ۱۵۷).

بیهقی هم در صدد مشروعیت بخشی به حکومت غزنوی بوده، زیرا آنها غلامزاده و بیگانه محسوب میشدند. او میگوید: «ملک را انتقال می‌افتاده است ازین ائمت بدان ائمت و ازین گروه به آن گروه...» (تاریخ بیهقی: ص ۱۵۱) و در جای دیگر می‌آورد: «فرق میان پادشاهان مؤید موفق و میان خارجی متغلب آن است که پادشاهان را چون دادگر و نیکو کردار و... باشند، طاعت باید داشت و گماشته بحق باید دانست...» (همان: ص ۱۵۳) و بلافاصله پادشاهان غزنوی را از نوع اول معرفی میکند. بیهقی ریشه قدرت سیاسی را همانند پیامبری در غیب میداند و در مقایسه میان پادشاهان و پیامبران این را به ذهن خواننده تداعی میکند که هر دوی آنها از جانب خداوند فرستاده شده‌اند: «بدانکه خدای تعالی، قوتی به پیغمبران داده و قوه دیگر بپادشاهان، و بر خلق روی زمین واجب کرده که بدان دو قوه باید گروید...» (همان). از سوی دیگر با رویکرد قضاگرایی که در سراسر کتاب او حاکم است، در صدد تلقین این موضوع بوده که اطاعت از پادشاه قضای الهی است.

۲-۱. زوال عرصه خصوصی با نظارت گسترده

چنین نظامی همه را یکرنگ پنداشته و سودای از نو ساختن انسان را در سر دارد. بر همین مبنا ارجی برای عرصه خصوصی افراد قایل نبوده و دولت را مُحق میداند که به تمامی لحظه‌های زندگی، حتی خلوت ذهن آدمی نظارت کند. این‌گونه دولتها با دشمنان عملی خود نمیستیزند، بلکه دشمنان بالقوه خود را نیز جسته و کیفر میدهند (چندگفتار درباره توتالیتاریسم، یوفسگی: صص ۷ - ۸). بر همین مبنا سیستم نظارتی بی‌سابقه‌ای را ایجاد می‌نمایند که دیگر ابراز مخالفتها بسیار دشوار شده و در بسیاری از موارد شخص احساس میکند که مجبور است به رژیم تعهد وفاداری بدهد (مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، دورماگن: ص ۸۱) و مداخله حکومت در تمام امور اجتماعی - از جمله «تعیین کیفیت ازدواج، طلاق، مسافرت شهروندان، نظام آموزشی و غیره - می‌تواند صورت پذیرد» (درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتار: جرم و مجازات در کره شمالی (با تاکید بر نقش پلیس)، یونو: ص ۱۹۳).

غزنویان برای اینکه بتوانند با خیال آسوده به هدف جهانگشایی خود نایل گردند، علاوه بر بسیج توده‌ای به وسیله جاسوسی گسترده و نقض حریم خصوصی، سعی در شناسایی مخالفان خود بر می‌آمدند. بیهقی مینویسد: «امیر مثال داد تا جمله مملکت را چهار مرد اختیار کردند مشرفی(۱)...» (تاریخ بیهقی: ص ۱۹۶). در تاریخ بیهقی صفحه‌های بی‌شماری تاییدکننده استواری مملکت براساس جاسوسی است: «طغرل حاجب امیر یوسف، مشرف بر او بود» (همان: ص ۳۹۹) یا سلطان محمود بر پسر و پسر بر پدر مشرفانی داشته‌اند، تا به قول بیهقی «أنفاسش را بشمارد و آنها کنند» (همان: ص ۱۷۳) این موارد نشان می‌دهد که غزنویان نمیتوانستند بدون وجود جاسوسان حکمرانی کنند و سعی در کنترل مخالفان داشته و در این راه هیچ کس ایمن نبود.

۳-۱. تبلیغات برای عوام‌فریبی و مقابله با توطئه جهانی

در چنین نظامی توده‌های مردم به عنوان ابزارهای سیاسی برای حمایت از نظام در برابر دشمنان ملت و نژاد به کمک طلبیده میشوند (درآمدی بر سیاست جنایی، لازرژ: ص ۴۴). واقعیت آن است، اقتدارگرایی ید طولایی در بسیج توده‌ها داشته، به گونه‌ای که ۳۵ هزار داوطلب خارجی در بریگادهای کمونیستی بوده‌اند (کمونیسم و نازیسم ژرف‌نگری‌های در باب توتالیتراریسم در سده بیستم، دوبنوا: ص ۶۲) که این موضوع از گذر حذف حزبهای سیاسی و رسانه‌های گروهی مستقل تحقق می‌یافت (درآمدی بر سیاست جنایی، همان). به همین شیوه نازی‌ها در منطقه‌های فتح شده اروپای شرقی برای سلطه بیشتر بر مردم، از تبلیغات ضد یهودی استفاده میکردند. از ویژگیهای دیگر چنین نظامی این است که مبتنی بر یک توطئه جهانی ساختگیند و هدف فرمانروایی جهان را در سر دارند، که بر این اساس «جهان را به دو اردوگاه متخاصم تقسیم کرده و جنبش یکی از این دو اردوگاه به شمار میرود که باید با سراسر جهان بجنگد» (توتالیتراریسم؛ همان: صص ۱۴۵ - ۱۴۶).

هدف حکومت غزنوی همانند اقتدارگرایی، دشمن‌تراشی و یکرنگ نمودن جهان با کشورگشایی است. محمود غزنوی هنگامی که به اهداف خود در شرق میرسد، خطاب به بزرگان چنین میگوید: «باید ممالک عراق را که در دست مشتکی ظالم دیلمی است، خلاصی دهد... و در آخر قرامطه و بددینان مصر، شام و مغرب را نابود سازد و آن طرف را نیز همچون مشرق بگیرد» (حمله به روم در تخیلات سلطان محمود غزنوی، فروزانی: ص

۱- دیوان اشراف را به اصطلاح امروزی میتوان وزارت بازرسی نامید. در دوره غزنویان صاحب دیوان اشراف در ارکان دولت محسوب می‌شد. البته اشراف به معنای جاسوسی هم است (اصطلاحات دیوانی در عهد غزنوی و سلجوقی، همان: صص ۱۵۲ - ۱۵۳).

۱۱۹). هدف اساسی حکومت در تاریخ بیهقی جهانگشایی برای یکرنگ نمودن جامعه است. زمانی که خلیفه بغدادی از حسنک ناخوشنود شده و او را قرمطی نامید، سلطان محمود در جواب وی میگوید: «بدین خلیفه خرف شده نباید نیش که من از بهر قدر عباسیان انگشت در کرده‌ام در همه جهان و قرمطی میجویم...» (تاریخ بیهقی: ص ۲۳۰). یا در نامه مسعود غزنوی به قدرخان (حاکم آل افراسیاب) به هدف پدر برای عزیمت به بغداد جهت سرکوبی مخالفان اشاره دارد (همان: ص ۶۵).

از این رو شاعران با ایدئولوژی مذهبی به دنبال تبلیغ، توجیه و جذب توده مردم بر می‌آمدند. برای مثال عنصری میگوید: همانطور که بُت معروف جکرسوم را برای مشاهده مردم به غزنین آورده‌اند، این بار صلیب مقدس مسیحیان را باید از روم با خود آورد (دیوان عنصری: ص ۷۱). یا اقدامهای صورت گرفته در هند صرفاً بر اساس توجیه مذهبی و برای عوام‌فریبی بوده است. این موضوع را در این گفته مسعود به خواجه بزرگ، احمد عبدالصمد، میتوان دید: «نذر کردم که اگر ایزد، عز ذکره، شفا ارزانی دارد بر جانب هندوستان روم تا قلعت هانسی را گشاده آید» (تاریخ بیهقی: ص ۷۵۳).

۲. بارقه‌های سیاست جنایی اقتدارگرا در تاریخ بیهقی

سیاست به طور مختصر و ساده عبارت است از درک، تدبیر و اداره مسائل و امور جامعه (درآمدی بر سیاست جنایی، همان: ص ۵۲). واژه جنایی نیز با توجه به ریشه یونانی آن «به معنای جدا کردن و تفکیک کردن است. بنابراین در اصطلاح سیاست جنایی اگر پدیده جنایی رفتار و کردار مبنی بر جدا شدن از هنجارها را مشخص میکند، میتوان گفت که سیاست جنایی هم شیوه‌ای را بیان میکند که هیأت اجتماعی با استفاده از آن پاسخهای خود را با این رفتار فاصله‌گیر از هنجارها سازمان میدهد» (سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، عظیم‌زاده اردبیلی و دیگران: ص ۱۵۰). یک سیاست جنایی با توجه به مکاتب فکری مختلف تنظیم میشود و اصولاً مدل سیاست جنایی به دو دسته کلی دولتی و جامعه‌ای تقسیم و یکی از مدل‌های دولتی، مدل اقتدارگرایی است (درآمدی بر سیاست جنایی، همان: ص ۲۰). در این قسمت از سویی با توجه به اینکه بارقه‌هایی از ایدئولوژی اقتدارگرایی را در تاریخ بیهقی دیدیم و از سوی دیگر با نگاه به اینکه «نقض هنجارهای اجتماعی جامعه بشری و از همگسیختگی نظم جامعه، در طول دوران گذشته وجود داشته و پدیده مجرمانه که بر مبنای نقض هنجارهای اجتماعی شکل میگیرد، قدمتی به تاریخ

۱- ز تانسیر بت آوردی به اشتر/ ز روم اکنون صلیب آور به استر

بشریت دارد» پاسخ دولتی به انحراف در سیاست‌جنایی ایران، قناد و دیگران: ص ۲۸؛ از این‌رو، میتوان بارقه‌های از ویژگی‌های کیفری ماهوی و شکلی نظام اقتدارگرایی را در تاریخ بی‌هقی یافت.

۱-۲. بزه‌انگاری

قانونگذاران کیفری، امروز نیز همانند گذشته در مورد تعریف اعمالی که باید مجرمانه تلقی شوند هم‌رأی نیستند. تعریف جرم مقید به فرهنگ و نیز گزینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک جامعه مورد نظر است (جرم‌شناسی، پیکا؛ ص ۳۴) از این‌رو با توجه به داشتن ویژگی‌های سیاسی مشترک در نظام‌های اقتدارگرا میتوان در عرصه بزه‌انگاری اصول یکسانی را یافته و بر مبنای آن تاریخ بی‌هقی را مورد تحلیل قرار داد.

۱-۱-۲. ماهیت بزه و توسل به قیاس

جرم‌انگاری فرایندی است که قانونگذار یا هر نهاد مقتدر، با در نظر گرفتن هنجارهای اساسی اجتماع با توسل به کیفر، برخی از رفتارهای مخل نظم اجتماعی را ممنوع می‌کند (دانشنامه جرم‌شناسی، نجفی‌ابرنادآبادی و هاشم‌بیگی: ص ۱۹۰). دولت‌ها اصولاً در این راه بر مبنای اصل اباحه و اصل حداقل مداخله حقوق کیفری دستشان به تمامی باز نمی‌باشد (مباحثی در علوم جنایی، نجفی‌ابرنادآبادی: ص ۹۶۵)؛ اما در سیاست جنایی اقتدارگرا وضع برعکس است؛ زیرا، جرم‌انگاری خصوصی‌ترین قلمرو زندگی افراد را آماج مداخله حکومتی قرار میدهد، چنانچه در برخی از چنین نظام‌هایی تلفن به خارج از کشور و اخذ تلفن از خارج نیز ممنوع است (کیفرشناسی «کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم»، غلامی، ص ۱۸۲). این مدل بدون تفکیک جرم از انحراف و با هدف تحمیل شیوه واحد طرز تفکر به انسانها، کلیه رفتارهای ناقض هنجارهای مطلوب دولت اقتدارگرا را جرم و سرکوب می‌کند (درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، نجفی‌ابرنادآبادی: ص ۲۵۵) و احترام آن چنانی به اصل قانونی بودن جرم ندارد و برای تضعیف بهتر قانون متوسل به قیاس میگردد. قیاس در چارچوب پیش‌بینیها و مواد قانون اعمال نمیشود و به نوعی خارج از قانون بوده و قاضی برای رسیدگی به دنبال اخلاق سیاسی، مذهبی یا اجتماعی در کشور است (نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، همان: ص ۲۶۷).

با نگاه به تاریخ بی‌هقی میتوان گفت که بارقه‌هایی از این مدل جرم‌انگاری در زمان غزنویان نیز بوده است. در آن زمان تفکیک آن‌چنانی میان جرم و انحراف دیده نمیشد و با توجه به نبود نهاد قانونگذاری در زمان گذشته، جرم مفهومی اخلاقی، اجتماعی و مذهبی داشت. چنین رویکردی همان‌طور که اشاره شد در نظام‌های اقتدارگرا نیز حاکم و موجب هم‌آمیختگی میان جرم و انحراف شده است. نگاه مذهبی بی‌هقی در تعریف جرم را در قضیه

سوری شاهدیم. او از سوری به این سبب منحرف یاد میکند که در خراسان ظلم کرده و اگرچه به کارهای نیک نیز دست زده، اما این را بی‌فایده دانسته و میگوید: «نان همسایگان دزدیدن و به همسایگان دادن در شرع نیست...» (تاریخ بیهقی: ص ۴۰۷). یا «...معتزلی، زندیقی و دهری باشد و جای او دوزخ بود...» (همان: ص ۱۵۳). علاوه بر این موضوع در سراسر کتابش شاهد اشاره به مفاهیم اخلاقی چون عدل، شفقت، رحم و... بوده که مردم و دولتمردان را به تبعیت از آن فرا میخواند (جهان‌بینی بیهقی؛ اسلامی‌ندوشن: ص ۵۶) و افرادی را که از این اصول پیروی نمیکنند؛ سرزنش می‌نماید. او برای شناخت مردم از آنچه خوب و بد است، سفارش میکند: «هر بنده که خدای، عزوجل، او را خردی روشن عطا داد و با آن خرد که دوست به حقیقت اوست، احوال عرضه کند و با آن خرد دانش یار شود و اخبار گذشتگان را بخواند و بگردد و کار زمانه خویش نیز نگاه کند، بتواند دانست که نیکوکاری چیست و بدکاری چیست و سرانجام هر دو خوب است یا نه و مردمان چه گویند و چه پسندند» (تاریخ بیهقی: ص ۱۵۷ - ۱۵۸). این گفته بیهقی که مردم را برای شناختن بزه و انحراف به سبک زندگی اجتماعی سوق میدهد؛ نشان‌دهنده مفهوم اجتماعی داشتن بزه است. شیوه پیشنهادی بیهقی به نوعی راه مقایسه نمودن (قیاس) رفتار فعلی با آنچه در گذشته جرم یا انحراف نامیده شده است، می‌شود. در قضیه بوسعید سهل، صاحب دیوان غزنی - معادل وزارت دارایی - که دستور بازرسی در کار او صادر می‌شود، معلوم شده که مبلغی بر وی حاصل بوده و هیچ‌جا آورده نشده است. همه آن را با حادثه دیگر که در زمان امیر محمود رخ داده بود، مقایسه میکنند: «چه دیده بودند که امیر محمود با معدل‌دار که او عامل هرات بوده و با سعید خاص که او ضیاع غزنین داشت و عامل گردیز که بر ایشان حاصلها فرود آمد، چه سیاستها راندن فرمود از تازیانه زدن، دست و پای بریدن و شکنجه‌ها» (همان: ص ۱۸۰ - ۱۸۱). نبود نهاد مجزا برای قانونگذاری در آن دوران، موجب تشویق توسل به قیاس توسط حکمرانان برای تشخیص سره از ناسره و حکم دادن بر اساس آن می‌شد.

۲-۱-۲. عدم تفکیک بزه و انحراف

در مدل اقتدارگرا بزه و انحراف از هم تفکیک نشده و یک مفهوم گسترده دارد. از این رو در تشخیص این که کدام رفتار آنها صحیح و کدام غیرصحیح و منحرفانه بوده، همواره دارای ابهام هستند و عدم چنین تفکیکی میتواند جامعه مدنی را با نقض حریم خصوصی و آزادی‌های شخصی همراه سازد (پاسخ دولتی به انحراف در سیاست‌جنایی ایران، همان: ص ۶۱). با این حال به صورت کلی با توجه به نحوه برخورد قوانین مبهم میتوان چنین گفت که جرایم در این نوع نظام به دو دسته سیاسی و عادی تقسیم میشود. همان‌طور که در نمونه فعلی این مدل «کره شمالی» جرایم سیاسی معمولاً به عنوان جرایم شدید مورد

توجه قرار میگیرند، این دسته از جرایم شامل جرایم علیه اصول سوسیالیست، حکومت سوسیالیستی یا علیه حزب کمونیست میباشد. جرایم عادی نیز شامل جرایم شدید و نیز جرایم خُرد و کوچک مانند قتل عمد، زنا و... است (درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتار: جرم و مجازات در کره شمالی...، همان: ص ۲۰۰).

در تاریخ بیهقی هم چهار نوع جرم وجود دارد: جرایم عادی، مذهبی، امنیتی و ارتكابی توسط کارکنان دولتی.

الف. جرایم طبیعی جرایمی هستند که مستقل از هر جامعه در هر زمانی نکوهش شده و تعدادشان محدود است (جزای عمومی، اردبیلی، ج ۱: ص ۳۱). نمونه‌هایی از آن را در تاریخ بیهقی میبینیم. برای مثال، جرم قتل «کارد بزد، آن غلام کشته شد...» (تاریخ بیهقی: ص ۳۵۹). یا در باب جرم دزدی «مولازاده‌یی دست بگوسپندی دراز کرده بود...» (همان: ص ۶۷۳).

ب. جرایم مذهبی: یکی از ویژگیهای اساسی دوران غزنوی توجه به دین و دخالت در عقاید مردم بوده، به گونه‌ای که هرکسی که به دین رسمی «حنفی» (سیاست مذهبی در دوره نخست حکومت غزنوی، یوسفی: ص ۱۴۶)، پایبندی نداشته را به اتهامهای واهی مذهبی محاکمه می‌نمودند.

بیهقی در جاهای مختلف به این موضوع اشاره نموده است. برای مثال: «زنادقه و قرامطه را بر باید انداخت و سنت پدر یمین‌الدوله در این باب نگاه باید داشت» (تاریخ بیهقی: ص ۵۰۷). یا حسنگ را بخاطر همین اتهام مجازات کردند: «بوسهل گفت: حجت بزرگتر که مرد قرمطی است...» (همان: ص ۲۲۸) و در باب گستردگی چنین جرایمی میتوان به این گفته محمود توجه نمود: «...من از بهر قدر عباسیان انگشت در کرده‌ام در همه جهان و قرمطی می‌جویم...» (همان: ص ۲۳۰).

پ. جرایم امنیتی: این جرایم یا مربوط به شخص شاه و اطرافیان نزدیک به او بوده یا مربوط به امنیت کشور است. برای مثال بیعت نمودن با فرد دیگری که مدعی پادشاهی است: «این پسر تاش را از خاصگان خود کرد... و عاقبت کارش آن بود که در روزگار امارت عبدالرشید همت نهادند که با امیر مردان‌شاه... که بقلعت بازداشته بودند، موافقتی کرده و بیعتی بسته است...» (همان: ص ۵۱۱). یا حتی نصیحت قرار دادن پادشاه نیز به گونه‌ای جرم بوده: «فرمود تا او را بهندوستان فرستادند، که گفتند که او قصیده‌یی گفته و سلطان را در آن نصیحتها کرده: مخالفان تو موران بُدند و مار شدند/ برار زود ز موران مارگشته دمار/ مده زمانشان زین بیش و روزگار میر/ که اژدها شود، ار روزگار یابد مار» (همان: ص ۹۲۵). این موضوع حتی در مورد غلامان پادشاه نیز حاکم بود. زمانی که امیر یوسف به غلام برادرش با نگاهی دیگر نگاه نمود، برادر به او گفت: «چشمت از دیرباز برین طغرل

بمانده است و اگر حرمت روان پدرم نبود، ترا مالشی سخت تمام برسدی» (همان: ص ۴۰۳). در باب جرایم علیه امنیت، حتی بیهقی اشاره به جرم بغی دارد: «دیگر روز برابر شد با آن باغبان خداوندکشندگان، لشکری دید سخت بزرگ...» (همان: ص ۱۱۱۰). ت. جرایم اداری: جرایمی که توسط اشخاص دولتی رخ دهد را گویند. برای مثال، سوءاستفاده از مالی که فرد در دست دارد: صاحب دیوان خراسان که بوالقاسم کشیر آن را دارا بود توسط خواجه احمدحسن مورد بازپرسی قرار گرفت (همان: ص ۴۹۸) یا میتوان رشوه گرفتن صاحب برید خوارزم از هرون برای عدم اطلاع دادن به مسعود در باب اقدام علیه حکومت را یادآور شد (همان: ص ۱۱۱۳).

۲-۲. پاسخ‌گذاری

مدلهای سیاست جنایی بر مبنای دیدگاه فکری خود در مقام پاسخ‌گذاری، شیوه‌های گوناگونی را اتخاذ میکنند. حکومت غزنویان در برابر بزهکاران برخوردی سخت داشته که با برخی از اصول پاسخ‌گذاری نظامهای اقتدارگرا و همچنین انواع مجازاتهای آنان یکسان است. از این‌رو به تحلیل تفضیلی‌تر آن پرداخته میشود.

۱-۲-۲. ایدئولوژی سرکوب‌گرایانه

در این مدل از سیاست جنایی پاسخ دولتی در مقابل جرم قرار میگیرد و هرگونه تخطی از مقررات کیفری با ابزارهای مختلف به عنوان مجازاتها سرکوب میشوند. نهادهای حکومتی نظام عدالت کیفری، خود ابتکار عمل را به دست میگیرد و به جرم پاسخ میدهد. ابزارهای مورد استفاده در مدل سیاست جنایی اقتدارگرا از نوع مجازاتهای سرکوبگر و بدون هیچ انعطافی است (پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران؛ همان: ص ۶۰).

در ایدئولوژی سرکوب‌گرایانه از یک طرف، نظارت بر بزهکار یا منحرف و کنترل آنان فوق‌العاده تشدید میشود و از طرف دیگر اقدامهای بازپروری مجرم و اقدامهای پیشگیرانه را نفی میکند (سیاست کیفری سختگیرانه، طاهری: ص ۱۵). ایدئولوژی مذکور از شعار «هیچ چیز کارساز نیست» استفاده می‌نماید و با فدا کردن برخی از حقوق بشر متهمان و مجرمان در راستای حاکمیت امنیت قدم بر میدارد (آثار امنیت‌گرایی در حقوق کیفری ایران و آمریکا، برنجانی‌اردستانی: ص ۶۰). در این نگاه، مجرم خطری برای سایر افراد و جامعه محسوب میشود، از این‌رو مجازاتهای سخت، نامتناسب و بدون اغماض به منظور سلب توان بزهکاری صورت میگیرد. علاوه بر سلب توان بزهکاری می‌توان گفت، هدف دیگر از مجازات در این نوع نظام «سزادهی و سرکوب بزهکار است (پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران؛ همان: ص ۶۰).

در ایران بعد از اسلام، به طوری که از فحوای کتابهای مربوط به این دوره بر می‌آید، عمل دادرسی و مجازاتها به وسیله نمایندگان دین و دولت (پاسخ دولتی) صورت

میگرفت (سیر قانون و دادگستری در ایران، راوندی: ص ۱۲۰) و از اهداف مجازات در آن زمان بویژه از مجازتهایی چون اعدام و زندان، سلب توان بزهکاری میباشد. این موضوع در این عبارت نمود آشکاری دارد: «روز چهارشنبه این علی را با صد و هفتاد تن بر دارها کشیدند و آن سوراخ بکنند و قلعت ویران کردند تا هیچ مفسد آن را پناه نسازد» (تاریخ بیهقی: ص ۸۹۳). علاوه بر این موضوع از دیدگاه بیهقی دلیل اصلی مجازات سزادهی می‌باشد، او این موضوع را بر مبنای نظریه کفاره توجیه میکند. بیهقی به مکافات عمل در هر دو جهان معتقد است و تردیدی ندارد که هر کس بدی کرد، بدی خواهد دید. کسانی که در حق حسنک وزیر بیداد کردند، گرفتار شده میدانند و راجع به بوسهل زوزنی میگوید: «چند سال است تا گذشته است و پاسخ آنکه از وی رفت گرفتار» (همان: ص ۲۲۶). داستان نوح بن منصور را می‌آورد که عم خود عبدالعزیز را کور کرد و آنگاه عبدالعزیز به او میگوید: «هنر بزرگ آن است که روزی خواهد بود جزا و مکافات را در آن جهان و داوری عادل که از این ستمکاران داد مظلومان بستانند...» (همان: ص ۲۴۶). این موارد علاوه بر نگاه سزایرانیانه بیهقی، نشان‌دهنده دیدگاه تربیتی اوست؛ زیرا بر مبنای اندیشه اسلامی انسان مختار بوده و مسیر زندگی‌اش را خود انتخاب میکند.

۲-۲-۲. طبقه‌بندی کیفر

در این مدل هدف درمان یا حتی اخراج بزهکار و معترض سیاسی نیست، بلکه راهبرد غالب حذف اوست؛ از این رو توسل وسیع به کیفر مرگ یکی از نشانه‌های آن است. باید به طور ملموس گفت، این موضوع هم‌زمان با تضعیف سایر مراجع مانند قانون، مقام قضایی و توفیق قوه مجریه امکان‌پذیر است (نظامهای بزرگ سیاست جنایی، همان: ص ۲۶۶). مجازاتهای دیگری که در این نوع نظامها اجرا میشود؛ مجازات اعدام، حبس، کار اجباری و جزای نقدی بوده که اصولاً حبس توأم با کار اجباری است (درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتر: جرم و مجازات در کره‌شمالی...، همان: ص ۲۱۲). اکثر کسانی که در اردوگاه‌های کار مجازات خود را تحمل می‌کردند، علاوه بر مشخص نبودن میزان دقیق مجازات، به دلیل مواد غذایی ضعیف و ناسازگاری بهداشت؛ سلامت ضعیفی داشته و از بین می‌رفتند.

(Concentration and labour camps in Slovenia, Miko: p 146)

حتی علاوه بر خود شخص، اعضای خانواده مجرم نیز بدون تعیین مدت زمان حضور به همان مجتمع زندان جهت انجام کار اجباری فرستاده می‌شدند (درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتر: جرم و مجازات در کره‌شمالی...، همان: ص ۲۱۱).

در نظام سیاست جنایی دوران بیهقی اصولاً پاسخهای دولتی که داده می‌شد: اعدام، مرگ، مصادره اموال، جزای نقدی، تازیانه، انفصال خدمت بود.

الف. اعدام: در باب مجازات اعدام در جرم بغی، بیهقی میگوید: «و از آن اسیران و مفسدان که قویتر بودند بردار کردند...» (تاریخ بیهقی: ص ۳۶). از این گفتار بیهقی می‌توان چنین برداشت نمود که مفسدان ضعیف‌تر را دار زده و به شیوه‌های دیگر مجازات می‌کردند. گاه اعدام کردن همراه با سنگسار بوده است: «مشتی رند را سیم دادند که سنگ زنند، و مرد (حسنک) خود مرده بود...» (همان: ص ۲۳۵).

ب. حبس: مجازات زندان یا در قلعت بازداشتن، نباید جای بسیار خوبی بوده باشد، برخی قلعتها دروازه هم نداشتند. این موضوع را بیهقی، چنین یادآور میشود: «قلعه‌یی دیدیم سخت بلند و نردبان پایه‌های بی حد و اندازه، چنانکه بسیار رنج رسیدی تا کسی بر توانستی شد...» (همان: ص ۶۱) و حتی میان افرادی که در قلعت بودند برخوردها یکسان نبوده، برای مثال وقتی مسعود دستور میدهد، سپاه سالار غازی را به قلعت برند؛ میگوید: «بگوی تا به بوعلی کوتوال (مدیر زندان) نامه نویسند و توقیعی تا وی را با این قوم بر قلعه جای نیکو بسازند و غازی را با ایشان آنجا بنشانند...» (همان: ص ۲۸۳). اما نسبت به بوعلی گوید: «... و نماز شام بوعلی را با پانزده تن به قهندز بردند و باز داشتند» (همان: ص ۲۵۳). در زندان گاه فرد بدون بند و گاه با بند بوده‌اند: «غازی را با ایشان آنجا بنشانند، اما با بند» (همان: ص ۲۸۳).

پ. مصادرهٔ اموال و جزای نقدی: مجازات حبس گاهی با مصادرهٔ اموال همراه بوده است. برای مثال در داستان بونعیم، فردی را که به غلام پادشاه دست زده بود، علاوه بر بازداشت؛ «کسان رفتند و سرایش فرو گرفتند و همهٔ نعمتهایش موقوف کردند» (همان: ص ۶۳۶) و حتی شاهد جایگزینی مجازات نیز در تاریخ بیهقی هستیم. برای مثال حبس و جزای نقدی جای مجازات شلاق را در قضیهٔ حصیری می‌گیرد: «بنده به فرمان رفتم نزدیک خواجه، چنانکه فرمان عالی بود... تا حصیری و پسرش را نزدند و سیصد هزار دینار خطی بستند و به حبس بازداشتند...» (همان: ص ۲۱۲).

ت. تازیانه و انفصال خدمت: یکی از مجازاتهای رایج دیگر که مورد استفاده قرار می‌گرفته، تازیانه بوده است. «بوالفتح را پانصد چوب زدند» (همان: ص ۴۵۸) و گاه علاوه بر آن، فرد را به انفصال از خدمت نیز محکوم می‌کردند: «و اشراف بلخ که به او داده بودند، بازستند» (همان).

در آن دوره کیفرها چندان تناسب نداشت و گاه ممکن بود شخصی به جرمی کوچک در اثر تحریک پادشاه به کیفر مرگ محکوم گردد. برای مثال در قضیه (مظفر طاهر) به صرف خشم شاه، حکم مرگی را صادر و عمال آن را اجرا کردند (همان: صص ۶۵۹ - ۶۶۰). علاوه بر این موضوع همانند نظام اقتدارگرا، نظارت شدید بر مجرمین در زندان وجود داشته است. برای مثال امیران و وزیران بزرگ را در قلعه‌ای بازداشت کرده و زندگی آنها را تحت

نظر می‌گرفتند (سیر قانون و دادگستری در ایران، همان: ص ۱۳۷). در اینجا نیز شاهد نبود اصل شخصی بودن هستیم و گاهی افراد وابسته به شخص مجرم در کنار او به قلعتها فرستاده می‌شدند. برای مثال، وقتی که می‌خواستند بوسهل زوزنی را فرو گیرند، علاوه بر او «نامه‌ها برفت تا مردم و اسباب بوسهل به مرو و زوزن و... فروگیرند» (تاریخ بیهقی: ص ۴۶۵). بعلاوه کسی که به زندان محکوم شده و در زندان به سر می‌برد، از لحاظ بهداشتی و غیره به مانند نظام اقتدارگرا در وضعیت خوبی به سر نمی‌برد. این موضوع در این بیت مسعود سعد نمایان است: «...زین سمج تنگ، چشم چون چشم اکمه است / زین بام گشت پشتم چون پشت پارسا» (مسعود سعد سلمان: ص ۱۴).

۲-۳. پاسخ دهی / پاسخ‌گزینی اقتدارگرا

هنگامی که بزه یعنی رفتاری ضداجتماعی ارتکاب مییابد، حاکمیت عمومی وظیفه دارد با توسل به شیوه‌های مناسب ضمن پیشگیری از وقوع و تکرار بزه، لزوم احترام به دستوره‌های خود را بار دیگر به شهروندان گوشزد کند (جزای عمومی، اردبیلی؛ ج ۳: ص ۱۹). با این حال نظامهای اقتدارگرا، برخلاف نظامهای مردم‌سالار دارای شیوه‌های گوناگون برای کشف بزه و رسیدگی بوده که هیچ یک با اصول بشردوستانه تناسب ندارد. این شیوه‌ها مختص به این دوران نبوده بلکه در جای جای تاریخ بیهقی نمونه‌هایی آن یافت می‌شود.

۱-۲-۳. پلیس مخفی برای کشف جزئی‌ترین امور

یکی از ویژگیهای سیاست جنایی مذکور نظارت شدید اجتماعی به حقوق و آزادیهای افراد است. چنین وضعیتی نیازمند هم‌رنگی ایدئولوژیک به شدت استثنایی بوده؛ زیرا آنچه بهتر از هر چیز دیگر وجود یک نظام اقتدارگرا را مشخص میکند، دستگاه نظارت بر افراد است که اجازه می‌دهد هر نوع مقاومت؛ حتی جزئی را کشف کند (گفتمان سیاست‌جنایی در کتاب مزرعه حیوانات، صابری: ص ۲۱). برای نمونه دادستانی شوروی سابق مأموریت خود را نظارت بر قانون‌مندی در سراسر شوروی دانسته و از این‌رو، بر کار ماموران تحقیقات مقدماتی نظارت کرده و در واقع نقش قاطعی در سرکوب ناراضیان و دگراندیشان سیاسی ایفا می‌کرد (نظامهای بزرگ سیاست‌جنایی، همان: ص ۲۷۲). این موضوع بحدی گسترده بوده که در برخی کشورهای اقتدارگرا همچون اسلوانی موجب ایجاد پلیس ویژه مخفی شد، که به آنها اجازه آزار مخالفان سیاسی و نگهداری در محیطهای مخصوص - بدون هیچ شواهدی صرفاً بر اساس سوءظن - را میداد (Crimes committed by the Fascist regime in the Slovene territory, bajc, p128).

این نوع نگهداری میتوانست چندین ماه بدون هر گونه ایراد اتهام قضایی ادامه یابد و حتی پلیس اقدام به شکنجه جهت اخذ اقرار کرده و با احراز مجرمیت فرد تحت توقیف، او

را برای محاکمه سری یا علنی آماده سازد (درآمدی بر سیاست جنایی توتالیترا: جرم و مجازات در کره شمالی...، همان: ص ۲۱۱).

شواهد تاریخ بیهقی نشان‌دهنده نظارت شدید اجتماعی و کشف جزئی‌ترین امور است. برای مثال مسعود که ولیعهد آن خاندان محسوب می‌شود، در خلوت خود دارای اتاقکی با تصاویر مستهجن است. این موضوع از دید جاسوسان پدر دور نمانده و او را مطلع می‌کنند (تاریخ بیهقی: ص ۱۷۳). حتی برای کشف جزئی‌ترین امور، نزدیکترین فرد به آن شخص را مأمور کرده تا انفاسش را بشمارد. در قضیه عموی امیر مسعود، غلام او چنین وظیفه‌ای را ایفا کرد. او گزارشهایی چون قصد تسلیم شدن امیر یوسف به دولتهای دیگر را به دستگاه خفیه سلطان گزارش میداد: «میسازد یوسف که خوبستن را بترکستان افکند و با خانیان مکاتبه گرفته است...» (همان: ص ۴۰۰). چنین کارهایی موجب میشد که شاه با کمترین دلیلی سوءظن پیدا کند و اشخاص را به پای پیل بیفکند یا در زندان به مدت دراز محبوس گرداند (تاریخ حقوق ایران، امین: ص ۲۷۴). بیهقی در قصیده‌ای به مناسبت بر تخت نشستن سلطان ابراهیم، این موضوع را یادآور می‌شود: «بی از آن کامد ازو هیچ خطا از کم و بیش / سیزده سال کشید او ستم دهر / ذمیم / سیزده سال اگر ماند در خلد کسی / بر سبیل حبس آن خلد نماید چو جحیم» (تاریخ بیهقی: ص ۵۲۰).

این نظام هم برای گرفتن اقرار دست به شکنجه میزد. برای مثال در قضیه بیماری وزیر بزرگ میمندی، او قبل از مرگ می‌خواهد که از بوالقاسم کثیر نسبت به دست درازی بر بیت‌المال اقرار بگیرد: «...و فرا شمار کشید...، چنان که بفرمود تا عقابین (آلت شکنجه)، تازیانه و جلااد آوردند و خواسته بود تا بزنند...» (همان: ص ۴۹۸).

۲-۳-۲. نبود دادرسی واقعی و اجرای صوری و شتابزده

عدم برگزاری دادرسی واقعی، یعنی رسیدگی براساس مقررات اختصاصی که اجازه میدهد جلسه دادرسی؛ غیرعلنی، بدون حضور متهم و در نتیجه عدم رسیدگی ترافعی باشد، از ویژگیهای این نظام است (نظامهای بزرگ سیاست جنایی، همان: ص ۲۸۲). از ویژگی‌های دیگر، حذف قضات دگراندیش می‌باشد. برای مثال، بسیاری از اسلوونی‌ها و کرواته‌های کارکنان دادگستری که نتوانسته بودند، تضمینات کافی نسبت به وفاداری خود به نظام دهند؛ اخراج شدند (bajc, Ibid: p 129).

علاوه بر آن جریان دادرسیها و عملکرد قضات باید بر اساس دستورالعمل‌هایی که توسط کمیته مرکزی تعیین میشد، صورت گیرد. رسیدگی باید به سرعت بوده که این موضوع موجب شده که تحقیق‌کنندگان در نزد دادگاه هم به ایراد اتهام و هم به انجام وظیفه دادستانی مشغول باشند. مدارک جمع‌آوری شده اغلب جرم‌زا و دارای نقص بودند. دفاع‌کنندگان جریان دادرسی در طول استماع حاضر نشده و معمولاً فرصت محدودی برای

دفاع از متهمین داشتند. جلسه استماع و رسیدگی بسیار کوتاه بود (coh, Characteristics of the judicial system in Slovenia between 1945 and 1951 :p 62).

در تاریخ بیهقی محاکمه تشریفاتی، برای حفظ قداست، بدون هیچ گناهی صورت می‌گرفت؛ در قضیه سپهسالار غازی، سلطان مسعود بدان معترف است: «عبدوس را گفت: این مرد بی‌گناه است...» (تاریخ بیهقی: ص ۲۸۳)؛ اما «پدریان از دست می‌بشوند و عالمی را شوراندن از بهر یک تن... مُحال است» (همان: ص ۲۸۲). در دوران غزنویان پادشاه معمولاً به دعوای کیفری تحت عنوان مظالم رسیدگی می‌کرده و آن دادگاه در سرای گشاده تشکیل می‌شده است (همان: ص ۳۲)؛ اما چون شاه در همه نقاط نبوده، در جاهای دیگر؛ کار قضا به وسیله قاضیانی که از طرف سلطان تعیین میگردیدند، اداره میشد (اصطلاحات دیوانی در عهد غزنوی و سلجوقی، همان: ص ۱۹۳ و ص ۲۲۴). اینجا نیز قضات از طرف حکومت نصب شده و وظیفه اجرای دستورات و اعلام وفاداری به حکومت را داشته‌اند. این موضوع را ناصر خسرو چنین بیان میکند: «اندر طلب حکم قضا بر در سلطان / مانند عصا مانده شب و روز به پایید» (دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی، ص ۱۲۵). شاید به همین دلیل پدر بیهقی میگوید: «... قاضی بوالهیشم پوشیده میگفت... ای بوالقاسم یاددار، قوادی به از قاضی‌گری» (تاریخ بیهقی: ص ۴۹۶). در این نوع نظام بجز مواردی که به صورت مظالم عمومی بوده، در مابقی موارد دادرسی به صورت غیرعلنی، فوری، جرمزا است. برای مثال هنگامی که بوالمظفر حبشی را که صاحب برید بود از «ری بیاوردند... امیر را آگاه کردند، فرمود که بخیمه حرس (بازداشتگاه موقت) باز باید داشت، ... عراقی دبیر به پیغام می‌رفت و می‌آمد سوی ایشان و آخر آن بود که بوالمظفر را هزار تازیانه بعقابین بزدند» (همان: ص ۶۶۵). همان‌طور که شاهدیم، جواب و دفاع کوتاه و فوری بوده است. حتی در داستان حسنک نیز به نوعی به محاکمه و دفاع او از خود در برابر اتهام وارد شده توسط بوسهل را میبینیم. با این حال این دادگاه صوری نیز همانند نظام اقتدارگرا در غیاب مردم عادی بوده است: «همه -افراد مورد اطمینان- آنجا حاضر بودند و بنشسته... من که بوالفضلم و قومی بیرون طارم بدکانها بودیم، نشسته در انتظار حسنک... وی را بطارم بردند و تا نزدیک نماز پیشین بماند، پس بیرون آوردند و بحرس باز بردند...» (همان: ص ۲۳۱). با اینکه رسیدگی به صورت غیرعلنی بوده؛ اما اجرای مجازات همانند نظامهای اقتدارگرا حالت خشن و آشکار داشت (سیاست، هیوود: ص ۴۴)، تا حالت عبرت‌انگیز داشته باشد. در تاریخ بیهقی نمونه‌های فراوانی از مجازات علنی اعدام، همانند حسنک وزیر دیده میشود که دورنمای روشنی از یک دادرسی ناعادلانه و اقتدارگرا در دوران بیهقی است.

نتیجه‌گیری

متأسفانه طومار دوران سامانیان چنان درهم پیچیده شد که حکیم طوس از میانه عمر انحطاط آن را می‌دید. از آن پس و تا یک سده بعد، شاهد بر باد رفتن آن همه شکوه به سبب شورش غلامان زرخرید سامانیان هستیم. نتیجه چنین رخدادی بر باد رفتن عظمت فرهنگی سامانیان، قربانی شدن فرزندان ایرانی، بیگانه‌پرستیها، فرصت‌یابی مجدد خلافت بغداد در دستگاه غزنویان است. تمسک به ایدئولوژی مذهبی برای توجیه جهان‌جویی هوسمندانه در این نسل نوکیسه برای از میان برداشتن خاندانهای فرهنگ‌مداری چون سامانیان، صفاریان و حتی رومیان، فاطمیان و... را شاهدیم. پیامدهای چنین خواسته‌ای چیزی جز درنده‌خویی، دستگیری و نابودی افراد مخالف، گماشتن جاسوسان برای رصد نمودن زندگی خصوصی اشخاص نبوده است. پیامد ناگوار آن دوره پُر اضطراب، جز رواج تزلزل، تزویر و شناور شدن مفاهیم و شکستن حریم کلمات در ورطه استبداد بی‌بنیان و افتادن افکار در دامن ناامنی نبوده است. هرکس به دنبال آن بوده که گلیم خود را از طوفان حوادث بیرون کشد تا از انبوه توطئه‌های سیاسی نظام حاکم به سلامت بگذرد. چنین شرایط حاکم بر دوران غزنوی همان شرایط نظام‌هایی است که بعدها تحت عنوان نظام‌های اقتدارگرا در جهان ظهور کردند.

از سوی دیگر سیاست جنایی در سده‌های اخیر اگرچه با سرعت بیشتری در حال تکامل علمی است؛ اما تردیدی وجود ندارد که نمیتوان خاستگاه نخستین آن را به زمان حاضر ارجاع داد، بلکه مدل‌های سیاست جنایی دارای پشتوانه‌های فکری در گذشته خود بوده که مبنای ایجاد آنها شده‌اند. از این‌رو، همانند رویکرد کیفی نظام‌های اقتدارگرا در حوزه بزه، که میان انحراف و جرم تفاوت قائل نبوده و تعریف درستی از آن ارائه نمیدهند و در پاسخ کیفی نیز رویکرد سزاگرایانه و سرکوب‌گرایانه با مخالفان را داشته و اصولاً در این راه بسیاری از قواعد دادرسی را زیر پا می‌گذارند، چنین ویژگی‌هایی از برخورد کیفی را در تاریخ بیهقی میتوان دید، زیرا از یک سو قیاس در حوزه جرم‌انگاری را به نوعی تأیید کرده و از سوی دیگر با پذیرش نظریه کفاره برای سزادهی، به سرکوبی مخالفان خود پرداخته و در این راه بسیاری از اصول اخلاقی و قانونی را نادیده می‌گرفتند.

پژوهش نگارندگان، میتواند آغازگر راه جدیدی باشد برای افرادی که مایلند در این راه گام بردارند؛ زیرا هنوز کارهای دقیقتری برای انجام دادن وجود دارد. این پژوهش به دنبال بیان نوع نظام سیاسی و ویژگی‌های کیفی اقتدارگرا در تاریخ بیهقی بوده تا باعث توجه دیگر پژوهشگران علاقمند به این حوزه گردد.

کتاب‌نامه

منابع پارسی

- «آثار امنیت‌گرایی در حقوق کیفری ایران و آمریکا»: برنهایی اردستانی، مرجان (۱۳۸۹)، فصل‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سوم، شماره سوم: ۳۱ - ۶۳.
- اصطلاحات دیوانی در عهد غزنوی و سلجوقی؛ انوری، حسن (۱۳۷۲)، تهران، کتاب‌خانه طهوری.
- اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار؛ سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲)، انتشارات فروزان‌فر، چاپ ششم.
- اندیشه‌های ویرانگر: نسل‌زدایی و نقش ایدئولوژی؛ الوارز، الکس (۱۳۹۶)، مترجم: رحیم و فاطمه نوبهار، در کتاب: جرم‌شناسی فراملی به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، میزان.
- پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران؛ قناد، فاطمه، اکبری، مسعود (۱۳۹۵)، مجد.
- تاریخ ادبیات ایران؛ صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۱)، انتشارات فردوس، چاپ پانزدهم.
- تاریخ بیهقی؛ بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۹۴)، خطیب رهبر، خلیل، تهران، مهتاب، چاپ هیجدهم.
- تاریخ حقوق ایران؛ امین، سیدحسین (۱۳۸۶)، انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی، چاپ دوم.
- «تاریخ بیهقی و پژوهش‌های ادبی»؛ مدرس‌زاده، عبدالرضا (۱۳۸۹)، مجله زبان و ادبیات فارسی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، سال اول، شماره دوم: ۱۲۳ - ۱۳۲.
- توتالیتاریسم؛ آرت، هانا (۱۳۸۹)، ثلاثی، محسن، نشر ثالث، چاپ دوم.
- جرم‌شناسی؛ پیکا، ژرژ (۱۳۹۵)، نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، انتشارات میزان، چاپ چهارم.
- جزای عمومی ۱ و ۳؛ اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، جلد اول، تهران، میزان، چاپ چهل و پنج.
- جهان بینی بیهقی؛ اسلامی‌ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۶)، در کتاب یادنامه بیهقی، مشهد، دانشگاه فردوسی، چاپ سوم.
- چندگفتار درباره توتالیتاریسم؛ یوفسکی، داستا؛ میلوش، نچائف و کواکوفسکی، کوندرا (۱۳۷۸)، میلانی، عباس، نشر آتیه.
- «حمله به روم در تخیلات سلطان محمود غزنوی»، فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۲)، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۲، بهار و تابستان: ۱۰۷ - ۱۲۶.

- دانشنامه جرم‌شناسی: ----- و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۵)، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش.
- درآمدی بر سیاست جنایی؛ لازرژ، کریستین (۱۳۹۶)، نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، میزان، چاپ ششم.
- «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتز: جرم و مجازات در کره‌شمالی (باتاکید بر نقش پلیس)»؛ مین‌وو یون (۱۳۹۰)، غلامی، حسین، فصل‌نامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره ۱۹: ۱۹۱ - ۲۱۸.
- «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۹)، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول.
- دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی؛ ناصر خسرو (۱۳۵۷)، مینوی، مجتبی و محقق، مهدی، انتشارات امیرکبیر.
- دیوان عنصری؛ عنصری‌بلخی، ابوالقاسم حسن (۱۳۶۳)، دبیرسیاکی، محمد، کتابخانه سنایی.
- سیاست؛ هیوود، اندرو (۱۳۹۳)، عالم، عبدالرحمن، نشر نی، چاپ چهارم.
- سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران؛ حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، انتشارات سمت.
- «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن»؛ عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و حسابی، ساره (۱۳۹۰)، تعالی حقوق، سال چهارم، شماره پانزدهم: ۱۱۳ - ۱۳۳.
- سیاست کیفری سخت‌گیرانه؛ طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، نشر میزان.
- «سیاست مذهبی در دوره نخست حکومت غزنوی»؛ یوسفی، صفر (۱۳۸۷)، فصل‌نامه فقه و تاریخ تمدن، سال چهارم، شماره پانزدهم: ۱۴۱ - ۱۵۵.
- سیر قانون و دادگستری در ایران؛ راوندی، مرتضی (۱۳۶۸)، تهران، چشمه.
- «کمونیسم و نازیسم ژرف‌نگری‌های در باب توتالیتاریسم در سده بیستم»؛ دوبنوا، آلن (۱۳۷۸)، مترجم: شهروز رستگار نامدار، فصلنامه: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰: ۵۲ - ۶۹.
- کیفرشناسی «کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم»؛ غلامی، حسین (۱۳۹۵)، میزان.
- «گفتمان سیاست جنایی در کتاب مزرعه حیوانات»؛ صابری، راضیه (۱۳۹۴)، مجله حقوقی داور، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳ - ۱۴.

- مباحثی در علوم جنایی؛ نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۱)، به کوشش: شهرام ابراهیمی؛ در سایت: <http://www.lawtest.ir>.
- مبانی جامعه‌شناسی سیاسی؛ ایو دورماگن، ژان و موشار دانیل (۱۳۸۹)، نیک‌گوهر، عبدالحسین، نشر آگه، تهران.
- مسعود سعد سلمان؛ سبحانی، توفیق (۱۳۷۱)، انتشارات متون درسی، چاپ سوم.
- نظامهای بزرگ سیاست جنایی؛ میری‌دل‌ماس - مارتی (۱۳۹۵)، نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، میزان، چاپ سوم.

منابع انگلیسی:

- Characteristics of the judicial system in Slovenia between 1945 and 1951, Mateja, coh, 2008, Ljubljana: Slovenian Presidency of the Council of the European Union.
- Concentration and labour camps in Slovenia .Ljubljana, Miko, mikola, p, 2008, Slovenian Presidency of the Council of the European Union.
- Crimes committed by the Fascist regime in the Slovene territory, Ljubljana; Gorazd, bajc, p, 2008, Slovenian Presidency of the Council of the European Union.
- Literature; s Influence on the Law and Legal Actars; Thompson'Nicole, A dissertation submitted in partial fulfillment of the degree of Bachelor of Laws (with honours) at the University of Otago;hn:<http://www.otago.ac.nz/2012>.